

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه‌ای از جلسات گذشته

قبل از تعطیلات که متأسفانه مقداری طول کشید، مباحثی را به عنوان مطالب مقدماتی بیان نمودیم و سپس وارد بحث آیات ربا شدیم. در بحث آیات نیز نکات عامی را عرض کردیم، به خصوص این نکته که آیا ربا نیز مثل مسأله خمر دارای حرمت تدریجی است؟ و عرض شد برخی از علمای اهل سنت بر این مطلب اصرار دارند و از کلمات مرحوم طباطبایی نیز این مطلب استفاده می‌شود. بحث مفصلش گذشت و قرار بر این شد که نتیجه نهایی این بحث بعد از اتمام بررسی آیات ربا ذکر شود. اولین آیه که بررسی شد، آیه سوره مدثر بود؛ بعد هم آیات سوره روم و نساء بررسی شد؛ به آیات 130 و 131 سوره آل عمران منتهی شدیم. می‌فرمایند: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافاً مُّضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ} وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ؛ عرض شد بسیاری از فقها این آیات را به عنوان اولین آیاتی که دلالت بر حرمت ربا دارد، قرار داده‌اند. در کتاب‌های آیات الاحکام، می‌گویند دو آیه برای حرمت ربا بیشتر نیست؛ یکی این آیه و دیگر آیات سوره بقره است که بعد از این آیات نازل شده است. نکته‌ای مهمی که در این آیه وجود دارد، این است که کسی که مرتکب ربا می‌شود، استحقاق آتشی را دارد که برای کافرین آماده شده است. یک سؤال مهم در اینجا مطرح شد که چطور می‌شود مسلمانی که ایمان دارد و شهادتین را گفته است، در صورت خوردن ربا، آتش جهنمیان را مستحق باشد؟!

این بحث را در جلسه گذشته به طور مفصل بیان نمودیم. در این آیه کلمه "اکل" آمده است؛ می‌گوید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا}؛ اما در آیات دیگر می‌گوید: {وَمَا أَتَيْتُم مِّن رِّبَا لَّيْرُئُوا}، کلمه "ایتاء" آمده یا آیه {وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا} که کلمه "أخذ" آمده است. باید گفت: "اکل" کلمه‌ای وسیع‌تر و مفهومی کامل‌تر از ایتاء و اخذ دارد؛ به هر نوع تصرفی اکل گویند. "لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا" مراد اکل ظاهری و خوردن و بلعیدن نیست، بلکه یعنی هر تصرفی در مال ربوی یا در مقدار زیاده جایز نیست و حرام است. هم‌چنین در این آیه نهی صریح داریم؛ برخلاف آیات دیگر که نهی صریح در آنها نیست.

غیر از نکاتی که در خود آیه وجود دارد، دو نظریه‌ای که برخی از علمای بزرگ اهل سنت مثل رشیدرضا در تفسیر المنار، برای حرمت ربا بیشتر به این آیه شریفه استدلال کرده‌اند و گفته‌اند: اولاً از آیه استفاده می‌شود که ربای جاهلی فقط حرام است و مطلق ربا حرام نیست و می‌گویند ربای جاهلی این نیست که در اول قرض دادن شرط زیاده شود، بلکه قرض می‌دهد و وقتی که زمان پس دادن می‌رسد، اگر بدهکار توان پرداخت نداشت، باید بر مبلغ اضافه کند؛ که در مباحث گذشته این مطلب را به طور مفصل توضیح دادیم.

نظریه دوم با قطع نظر از ربای جاهلی اینان بر روی کلمه {أَضْعَافاً مُّضَاعَفَةً} تکیه کرده‌اند و می‌گویند: این عبارت قید برای حکم است؛ مطلق ربا حرام نیست و بلکه ربایی که اضْعَافاً مُضَاعَفَةً هست، حرام است. لذا این آیه شریفه از اهمیت بیشتری

بررسی نکات موجود در آیه شریفه 130 سوره آل عمران

اما نکات خود آیه، **أَوَّلًا** در این آیه نهی آمده است و نهی در حرمت ظهور دارد. **ثانیاً** متعلق نهی، اکل است و اکل کنایه از مطلق تصرف است. **ثالثاً** از آیه استفاده می‌شود که بین ایمان و اکل ربا جمع نمی‌شود؛ نمی‌شود کسی بگوید که من ایمان دارم و ربا هم می‌خورم! خوردن ربا مساوق با نفی ایمان است و نه نفی اسلام. کسی که فرمان خداوند متعال را اطاعت نکند، ایمان قلبی به خداوند ندارد. **نکته چهارم** کلمه ریاست؛ الف و لام در "الربا" آیا الف و لام عهد است؛ یعنی ربای جاهلیت؟ و یا آنکه الف و لام جنس است و مطلق ربا را می‌گوید؛ برای اینکه الف و لام عهد باشد، به قرینه نیاز داریم و در این آیه شریفه قرینه‌ای نداریم. شارع به صورت کلی می‌فرماید "لا تأکل الربا" همانطور که در "**أَحَلَّ اللَّهُ التَّيْبَعُ**" کسی الف و لام بیع را عهد قرار نمی‌دهد، با اینکه در قدیم بیع نسیه بوده و یا در میان آنها بیع جنس به جنس بوده است. بنابراین، "الربا" هر چیزی که مصداق برای ربا هست را شامل می‌شود؛ چه از مصادیق ربای جاهلی باشد و چه نباشد.

بررسی معنای أضعافاً مضاعفة

نکته پنجم در مورد کلمه "**أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً**" است که **أَوَّلًا** باید از لغت معنای این را بیان کنیم و به نظر می‌رسد عدم توجه به معنای این لغت خود اهل سنتی که ادعا دارند آشنای به لسان هستند را گرفتار کرده است. «أضعاف» جمع «ضعف» است. در لغت عرب، «ضَعُفٌ»، «ضَعْفٌ» و «ضِعْفٌ» داریم و معنای هر کدام با دیگری مغایر است. ضَعْفٌ در مقابل قدرت و قُوَّةٌ است؛ آیه شریفه (اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا) می‌فرماید: خدایی که انسان را از منی آفریند بعد او را قُوَّةٌ داد و سپس بعد از قُوَّةٌ او را پیر کرد. ضَعْفٌ، طبق قول بعضی از لغویین به معنای ضعیف رأی و عقل است. وقتی می‌گویند (خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا) یک معنایش این است که انسان ضعیف رأی و عقل دارد؛ که در مقابل اشکالاتی که زن‌ها دارند که چرا نسبت به آنها در تعابیر امیرالمؤمنین (ع) دارد «هِنَّ نَاقِصَاتُ الْعُقُولِ»؛ یک جوابش این است که اساساً هر انسانی ضعیف است؛ (خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا). البته بعضی از مفسرین ضعیف در این آیه را به معنای ضعیف در مقابل قُوَّةٌ می‌گیرند؛ اما ضعیف به معنای رأی بهتر است و همین معنا با "جَهْلًا" که در بعضی از آیات دیگر آمده است، سازگاری دارد. حال، أضعاف جمع ضَعْفٌ و ضَعْفٌ نیست و بلکه جمع ضِعْفٌ است. در مورد ضِعْفٌ از کتب لغت دو مطلب استفاده می‌شود:

یکی اینکه اکثر لغویین گفته‌اند: "ضِعْفُ الشَّيْءِ أَيْ مِثْلُ الشَّيْءِ"؛ ضِعْفَانِ یعنی مثلاً؛ در این صورت، أضعاف یعنی أمثال. "لا تأکل الربا أضعافاً" چون اقل جمع سه مثل است، یعنی سه مثل به بالا را به عنوان ربا نخور. پس، خصوصاً دوبرابر مراد نیست و چند برابر را شامل می‌شود؛ البته بعضی از لغویین نیز کلمه ضِعْفٌ را به دوبرابر هم معنا کرده‌اند و گفته‌اند "ضِعْفُ الشَّيْءِ أَيْ مِثْلَاهُ". بعضی دیگر از لغویین می‌گویند "الضِعْفُ الْمِثْلُ فَمَا زَادَ" مازاد را ضعیف می‌گویند. آیه شریفه (فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعِيفِ بِمَا عَمِلُوا) پاداش اینها جزای ضعیف است در مقابل عملی که انجام داده‌اند؛ مفسرین ضِعْفٌ در این آیه را به قرینه آیه شریفه (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا) به ده برابر معنا کرده‌اند. حال، اگر ضِعْفٌ را به معنای مثل گرفتیم، أضعاف یعنی امثال و تردیدی در این معنا نیست. اگر گفتیم ضِعْفٌ به معنای "مثلاً" است، أضعاف یعنی چندتا دو مثل و اگر گفتیم ضِعْفٌ، مثل فما زاد است، أضعاف همان معنای اوّل را خواهد داشت یعنی امثال.

اما مضاعفة، آیا مضاعفه یعنی اضعاف مضاعف شوند؟ یا مراد آن است که ضِعْفٌ اوّل مضاعف شود؛ برخی گفته‌اند: این

عنوان تأکید را دارد؛ در این صورت، باید با قطع نظر از این واژه آیه را معنا کنیم؛ یعنی بگوییم: "لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا" و مضاعفه تأکید است. اما ظاهر آیه این است که مضاعفه تأکید نیست و بر عنوان دیگری دلالت دارد.

بعضی گفته‌اند: مضاعفه مثل بهره مرکب است؛ یعنی مثلاً می‌گویید سود 1000 تومان بعد از یک سال می‌شود 1200 تومان، 20 درصد اضافه می‌شود و در سال دوم دیگر گفته نمی‌شود که 20 درصد 1000 تومان باید حساب شود، بلکه 20 درصد 1200 تومان که می‌شود 240 تومان باید حساب شود؛ یعنی سود پول در سال دوم 240 تومان می‌شود و سود بهره سال قبل نیز محاسبه می‌شود. در سال سوم نیز باید 20 درصد 1440 تومان حساب شود. برخی مثل مراغی در تفسیر خودش می‌گوید: منظور از مضاعفه بهره مرکب است. اگر بهره مرکب نشود، در هر سال 200 تومان اضافه می‌شود؛ یعنی در سال دوم می‌شود 1400 تومان نه 1440 تومان. اینجا چه باید کرد؟

اما نکته‌ی دیگری که باید عرض شود این است که در آیه شریفه اختلاف است که "أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً" قید برای رباست؛ یعنی حال از برای آن است؛ "ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربایی که اضعاف مضاعفه است نخورید" آنوقت، اگر قید برای ربا هم قرار گیرد، دو احتمال در آن وجود دارد: یک احتمال این است که بگوییم مقصود از ربا نفس زیاده است و این زیاده اضعافاً مضاعفه نشود. در این صورت، در مثالی که عرض شد، 1000 تومان بشود 1200 تومان و 200 تومان که بشود ربا، اضعاف مضاعفه این را باید بررسی کنیم؛ یعنی 200 تومان می‌شود 400 تومان و 400 تومان می‌شود 800 تومان و 800 تومان می‌شود 1600 تومان. محور اضعاف مضاعفه را خود زیاده قرار دهیم؛ و احتمال دوم این است که بگوییم مقصود از ربا، رأس المال به اضافه رباست؛ یعنی 1000 تومان که رأس المال است و ربای آن 200 می‌شود و در مجموع 1200 تومان می‌شود. شارع می‌گوید این 1200 تومان اضعاف مضاعفه نشود؛ یعنی لا اقل سه تا 1200 تومان نشود؛ چون اضعاف یعنی امثال.

یا آنکه حال از فاعل "لَا تَأْكُلُوا" هست؛ یعنی معنا می‌شود "ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربا نخورید در حالی که غرضتان این است که اموالتان را چند برابر کنید" در این صورت، ربطی به اضعاف ربا پیدا نمی‌کند.

ما ابتدا باید تکلیف اضعاف مضاعفه را روشن کنیم و معنای آن را بیان کنیم و بعد معلوم شود که قید برای چیست؛ گفتیم: اضعاف جمع ضِعْف به معنای مثل است؛ پس، اضعاف می‌شود امثال. در مورد مضاعفه هم یک احتمال این بود که تأکید باشد و بیان شد که این احتمال و تأکید بودن خلاف ظاهر است. حال که تأکید خلاف ظاهر است، بنابراین، مضاعفه دیگر قید برای خود اضعاف است. یعنی اضعاف هم دوبرابر شود.

برای روشن شدن آیه محل بحث، آیه دیگری را باید بیان کنیم، در مورد زنان پیامبر وارد شده است: (يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا) ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود، عذاب او دوچندان خواهد بود و این برای خدا آسان است. "يضاعف لها العذاب ضعفين"، در لسان العرب از قول ابوعبید - که یا یکی از مفسرین است و یا یکی از لغویین می‌باشد - نقل می‌کند که "معناه يجعل الواحد ثلاثة أي تعذب ثلاثة أعذبة" یعنی اگر یکی از زن‌های پیامبر عمل زشتی را انجام بدهد به جای یک عذاب سه عذاب دارد.

لسان العرب در ادامه می‌گوید "قال الازهری: هذا الذي قاله أبو عبيد هو ما تستعمله الناس في مجاز كلامهم و ما يتعارفونه في خطابهم" این استعمال رایجی است در کلام مردم که مجازاً يضاعف ضعفين را برای سه عذاب می‌آورند. اگر بخواهیم از این کلام استفاده کنیم و بگوییم عرب در جایی که بخواهد چیزی را بگوید سه‌برابر، می‌گوید: "يضاعف ضعفين" هرچند در لغت و بر اساس مرّ لغوی باید بگوییم این عبارت به معنای "مثلین" است؛ اما عرب این تثنیه را مجازاً در سه تا استعمال می‌کند. در این صورت، نتیجه این می‌شود که در جایی که می‌گوید "أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً" بالاتر از سه‌برابر منظور است. عرب هرچا گفت "يضاعف أضعافاً" یعنی بیش از سه‌برابر؛ چون برای سه "ضعفين" است. بنابراین نتیجه این می‌شود که اضعاف یعنی امثال و امثال هم حداقل سه‌برابر است؛ مضاعفه که می‌آید یعنی از سه‌برابر به بالا؛ چهار، پنج و شش‌برابر. ظاهر آیه همین است و

"أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً" به معنای دو برابر نیست. حتی به معنای سه برابر هم نیست؛ بلکه از چهار برابر به بالا را می‌گوید و به اهل سنت که می‌گویند "أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً" به معنای دو برابر است، می‌گوییم: از کجا این را به دو برابر معنا می‌کنید؟ أضعاف جمع ضِعف به معنای مثل است، پس اضعاف می‌شود امثال؛ این دو برابر را از کجا آوردید. این نکته دقیقی است در معنای "أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً".

ازهری در ادامه کلامش، سخنی را از شافعی نقل می‌کند، شافعی می‌گوید: اگر کسی وصیتی کرد و گفت به فلان شخص ضِعف آنچه که به فرزندم داده می‌شود، بدهید. أُعْطُوا فَلَانًا ضِعْفَ مَا يَصِيبُ وَلَدِي قَالَ يُوْتَى مِثْلُهُ مَرَّتَيْنِ؛ اینجا گفته است که مراد دو برابر است وَلَوْ قَالَ ضِعْفَيْنِ، می‌شود سه تا. هم‌چنین کلمه "مثلیهم" در آیه شریفه (قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْآخَرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأْيَ الْعَيْنِ) به معنای دو مثل نیست و کنایه است؛ یعنی سه برابر.

خلاصه اینکه عرب مواردی را به صورت تثنیه استعمال می‌کند و از آن اراده جمع می‌کند مجازاً. پس معنای "أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً" روشن شد و کسی نگوید که این عبارت به معنای دو برابر است. حتی کسی آن را به سه برابر معنا نکند. بلکه "أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً" یعنی چهار برابر به بالا.

اما نکته اصلی این است که "أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً" در این آیه شریفه قید برای چیست؟ یک بحث فقهی مهم در مورد ربا این است که کسی که به شرط زیاده قرض می‌دهد و می‌گوییم این رباست و حرام است، آیا تصرّف در اضافه فقط حرام است؛ یعنی مقترض مالک اضافه نمی‌شود؟ یا آنکه علاوه بر این، مالک قرض هم نشده است؟ یکی از نکاتی که از این آیه استفاده می‌شود این است که اگر ربا را آورديم روی خود زیاده، دیگر به مالی که زیاده در آن شرط شده کاری نداریم؛ یعنی قرضی که به شرط زیاده داده می‌شود، خود قرض صحیح است و مقترض مالک قرض می‌شود، اما زیاده باطل است و حرام. این بستگی دارد که ربا را در این آیه به چه معنایی بگیریم؟

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ